

بسم الله الرحمن الرحيم

امریکا و پیمان ناتو یا شراکت استعماری!

(ترجمه)



وزرای دفاع کشورهای عضو پیمان ناتو در روز پنجشنبه، مؤرخ 15 فبروری 2018م، بنابر درخواست امریکا به توسعه برنامه "آموزش و مشاوره" نیروهای عراقی موافقت نموده‌اند. جیمز ماتیس وزیر دفاع امریکا در ماه جنوری پیامی را به ریاست این پیمان فرستاد و برای آموزش نیروهای عراقی خواستار مأموریت رسمی درازمدت و یا دائمی ناتو در عراق شد. ینس استولتنبرگ دبیرکل ناتو اظهار می‌دارد که: «مأمورین فرستاده شده به عراق، نیروهای جنگی نیستند؛ بلکه این نیروها تنها به هدف آموزش نیروهای عراقی به آنجا فرستاده خواهند شد. هدف این برنامه، خودکفایی نیروهای عراقی و ایجاد زیرساخت‌های نظامی پیشرفته می‌باشد.»

هم‌چنان نشست وزرای دفاع کشورهای عضو پیمان ناتو، به صدور قراری پایان یافته و بر این تأکید داشتند که آموزش نیروهای عراقی برای مدت طولانی، مانع از بازگشت نیروهای جنگی به عراق خواهد شد. دبیرکل ناتو یاد آور شد که: «درس‌هایی که از عراق کسب کردیم، تأکید بر آن دارد که خروج زود هنگام از این کشور ممکن است ما را مجبور به ارسال دوباره نیروهای رزمی در جنگ نماید. بنابر این، ما باید مدت زمان لازم را در عراق باقی بمانیم تا دوباره مجبور به بازگشت نباشیم.» ینس استولتنبرگ گفت: «توصیه وزراء این بود که باید به زودی طرح این مأموریت آموزشی آماده شود، تا این‌که رسماً در اجلاس سران ناتو در ماه جولای پیش‌روی در بروکسل ارائه گردد.»

این برنامه آموزشی بوده، بر علاوه آموزش افسران، تأسیس اکادمی نظامی، داکتران نظامی و تعلیمات لازم در زمینه ماین‌پاکی و شناسای فلزات از بمب‌ها و مهمات منفجره‌ای به جامانده توسط گروه داعش را نیز شامل خواهد شد. با تذکر این‌که به رغم

تلاش‌های واشنگتن برای توسعه آموزش نظامی در عراق، فعلاً مأموریت آموزشی محدود به بغداد می‌باشد؛ چون اعضای اروپایی پیمان به دلیل ترس از باطلاق جنگ افغانستان-که بیش از ده سال را در بر گرفت- نمی‌خواستند که به جنگ دیگری مصروف گردند.

فشار امریکا بخشی از تقاضای ترامپ است، تا این‌که این پیمان غربی از وظیفه اساسی‌اش، که دفاع از قلمرو کشورهای عضو این پیمان می‌باشد، فراتر رفته و به متوقف ساختن تندرهای اسلامی همکاری نماید. ترامپ در اجلاس ماه می در بروکسل با لهجه‌ای تویبخانه از حملات بیشتر تندرهای در اروپا هشدار داده و دلپش را کوتاهی ناتو در برابر تندرهای اسلامی عنوان کرد، همان‌گونه که اوباما رئیس‌جمهور سابق امریکا نیز به دنبال نقش بیش‌تر ناتو در خاورمیانه بود. امریکا از تجربه طولانی پیمان در افغانستان آگاه بوده و می‌خواهد که از این پیمان به توان بخشی نیروهای عراقی در بازپس‌گیری مناطق از دست داعش استفاده کند.

یک دیپلومات ارشد این پیمان، که نخواست نامش فاش شود، گفت: «امریکا از این‌که نقش ناتو در عراق، مبارزه در میدان جنگ نبوده؛ بلکه یک مأموریت درازمدت آموزشی می‌باشد، به شدت پیمان را تحت فشار قرار داده است.» این دیپلومات علاوه کرد: «این موضوع همانند افغانستان شک برانگیز به نظر می‌رسد.» وی به این اشاره داشت، که اعضای پیمان انگیزه و هدف انتقاداتی‌یی که ترامپ در حین مبارزات انتخاباتی خود در 2016م به آن‌ها پرداخت و این پیمان را عتیقه خوانده و متهم نمود، که در برابر تندرهای اسلام‌گرا تلاش‌های لازم را نمی‌نماید، به خوبی می‌فهمند.

اما از عراق، دفتر مطبوعاتی حیدر العبادی نخست‌وزیر عراق، در بیانیه‌ای که به تاریخ 23 جنوری 2018 منتشر کرد، گفت: «العبادی تماس تلفونی را از ینس استولتبرگ دبیرکل ناتو، دریافت نموده و دو طرف در مورد سرعت بخشیدن به آموزش نیروهای عراقی در بخش‌های مختلف و هم‌چنین در مورد توسعه برنامه‌های آموزش نظامی جدید برای پیاده نظام، اطلاعات و بخش‌های دیگری چون زیربنای توانائی‌های وزارت دفاع، باهم گفتگو نمودند.»

قابل توجه است که برخی از مسئولین مرتبط به ناتو در گفتگویی که با خبرگزاری رویترز داشتند، بر این تأکید نمودند که با وجود حمایت‌های العبادی، محقق شدن تلاش‌های امریکا مشکل است، چون هزینه‌های مأموریت‌های نظامی این پیمان در کشورهای خارج این پیمان، بالا می‌باشد. با توجه به این‌که عموم مردم از چنین مأموریت‌هایی حمایت نمی‌کنند و معمولاً این مأموریت‌ها برای زندگی سربازان خطرناک می‌باشد. این مسئولین علاوه می‌دارند که نه تنها موارد فوق، بلکه ما مجبور خواهیم بود تا سقف این مأمورین و دولت‌های سهمیم را مشخص و تعیین ساخته و بر چگونگی تمویل مناسب این برنامه و این‌که چه کسی از نیروهای عراقی حمایت کامل می‌نماید، توجه کامل داشته باشیم. اما تأکید بیشتر این مسئولین این بود که اگر بغداد درخواست رسمی خویش را به ناتو ارائه نکند، ناتو حتی تحت فشار امریکا نمی‌تواند درین خصوص اقدامی داشته باشد؛ حال آن‌که این موضوع بعید به نظر می‌رسد، چون انتخابات عراق نزدیک و اوضاع سیاسی داخلی نیز ناهنجار است.

فشارهای اعمال شده توسط دولت امریکا بر ناتو در مناطق جنگی، بیانگر اینست که امریکا نه تنها در جنگ‌های منطقه‌ای می‌خواهد پیمان ناتو را با خود داشته باشد، بلکه می‌خواهد در تمام نبردهایش اروپا را با خود بکشانند؛ البته با رهبریت و فرماندهی خودش؛ چون بدین وسیله می‌خواهد هزینه‌های هنگفت بازی در نقش پولیس جهانی را تلافی نموده و جهان و ملت‌ها نیز علیه وی تحریک نشوند. امریکا می‌خواهد با حداقل هزینه‌های مادی و معنوی باقی بماند و تسلط خود را بر همگان قائم سازد. استراتژی نظامی امریکا از جمله ایجاد نیروی واکنش سریع کارآمد و مؤثر، توزیع مجدد نیروها و تمرکزشان بر مناطق جنوب غربی و جنوب شرقی پیمان ناتو و سعی در بیرون نمودن این پیمان از لباس نظامی به سیاسی، نشان دهنده آنست که ناتو ابزاری بیش در دست امریکا نیست.

نقشه ترامپ ایجاب می‌کند که به طور نامحدودی در عراق باقی بماند و به بهانه مقابله با تهدیدات تروریستی که از عراق راه‌اندازی خواهد شد و هم‌چنین به بهانه سهم‌گیری در اعمار مجدد عراق، که می‌خواهد اروپا را نیز درین پرتگاه بیندازد-به وسیله دویبانه‌ای که دو دروازه اساسی را برای تحکیم اشغال امریکا باز می‌کند- حال آن‌که همه این اقدامات، بدون تأیید مردم عراق صورت می‌گیرد. امریکا این را به خوبی می‌داند که نیازمند است تا در بین مردم عراق تخم نفاق را کاشته و آن‌ها را به جان هم بیندازد و آن را تجزیه کند-کاری که همین اکنون در تلاش آن است- و در نتیجه تحت نام "فراهم‌آوری حمایت" و "منع بازگشت تروریست" فرصت مناسبی برای بقای نیروهایش، در طولانی‌ترین مدت ممکنه میسر شود، و به چنین فضایی واشنگتن تسلط کاملش را بر ثروت زیاد عراق، منابع آبی، نفتی و غیره تضمین می‌کند.

با در نظر داشت این چارچوب و درک درست از واقعیت، لازم است تا هر پیمان امنیتی، مذاکرات با هم‌پیمانان نظامی، تمرینات مشترک این چنینی، تسهیلات و پایگاه‌های نظامی را به عنوان هم‌پاری کردن با دشمنان اسلام برای مبارزه با اسلام تلقی نمود. برنامه‌هایی که این پیمان‌های نظامی در سرزمین‌های اسلامی اعم از تمرینات نظامی، توافق نامه‌های امنیتی و نظامی؛ مانند به اجاره دادن پایگاه‌های نظامی، فرودگاه‌های هوایی و بنادری که به وسیله آن مهارت‌های عملی زیادی را کسب می‌نمایند و بازتاب آن بر ریختن خون مسلمانان مشهود است، از دید شرعی حرام بوده؛ زیرا منجر به تسلط بیشتر کشورهای کفری بالای سرزمین‌های اسلامی خواهد گردید و از امکان حاکمیت مسلمانان بالای سرزمین‌های شان کاسته و کفار را بر مسلمانان چیره می‌سازد و دلیل این تحریم آیه ذیل است.

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾

ترجمه: و (مادامی که مؤمنان دارای ایمان راستین و کردار شایسته و بایسته باشند) هرگز الله (سبحانه و تعالی) کافران را بر مؤمنان چیره

نخواهد ساخت.

حاکمیت دولت به معنی تکیه به قدرت خویش و قادر بودن بر اعمال، اراده و اختیار کامل خویش در تمام امور داخلی و خارجی آن می‌باشد، و هر نقضی در این حاکمیت، تأثیر زیان‌باری بر اقتدار آن دارد، تا جائی که برای حفظ حاکمیت و تأمین آن، بعضی از کشورها جنگ‌ها را راه‌اندازی می‌کنند. بنابر این، حاکمیت از مهم‌ترین مسائل سیاسی یک دولت می‌باشد.

بلی، با درک چنین واقعیتی بوده که فقهای گذشته و کنونی مسلمانان، شرایط دارالاسلام را بر این گذاشته‌اند که باید امان آن به امان مسلمانان باشد؛ یعنی حاکمیت دولت و سیاست خارجی و داخلی آن در حمایت و حفاظت فرزندان آن دولت قرار داشته باشد. اما سوالی که مطرح می‌شود، این است که امریکا و کشورهای هم‌پیمان نظامی‌اش در کشورهای اسلامی به خاطر چه چیز خواهند جنگید؟ حال آن‌که کشورهای اسلامی و حکام‌اش، در نهایت خضوع و خشوع در برابرشان سرخم می‌نمایند. فراتر از آن، چرا امریکا در حال جنگ در کشوری باشد که عملاً تحت حاکمیت و تسلط‌اش قرار دارد؟!

پاسخ چنین است: امریکا به خوبی متوجه است که نظام‌های ساختگی آن پس از این‌که عیب، تعفن، ناکارایی و ناتوانی آن‌ها آشکار شود، ناگزیر از بین خواهند رفت. موضوع فقط متعلق به زمان است؛ نه چیز دیگری. بنابر این، ایشان از هم اکنون در حال آماده‌گی به سلطه‌جوئی نظامی در تمام منطقه‌اند. آنگاه که به اذن الله سبحانه و تعالی زمان تغییر فرا رسد و الله سبحانه و تعالی به اقامه دوباره خلافت برمنهج نبوت بر بنده‌گانش منت نهد؛ در آن زمان خواهد بود که کیسه‌های شنی‌ای که کفار و نماینده‌گان‌شان، اعم از منافقان، متفکرینی که متأثر از فرهنگ بیگانه‌اند و تاریک اندیشانی که با زندگی در ظلمت نظام‌های وضعی سیکولریستی خوی گرفته و مصلحت‌شان با مصالح بیگانگان ارتباط تنگاتنگی دارد، از هم خواهند درید.

برگرفته از جریده‌الرایه

نویسنده: استاد علی البدری

5 جمادی الثانی 1439 هـ.ق

21 فبروری 2018 م